



Mirza Muhammad Akhbari and the Murder of Tsitsianov (A Research on the Relationship between Fath Ali Shah Qajar and Mirza Mohammad Akhbari)

Kamran Mohammadhoseini[✉]¹, Rasoul Jafarian²

1. Corresponding Author, Ph.D. Candidate Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: k.mohammadhoseini@ut.ac.ir

2. Professor Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: jafarianras@ut.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Article History:

Received:
13, August, 2023

In Revised Form:
1, September, 2023

Accepted:
13, September, 2023

Published Onlin:
22, September, 2023

Keywords:

Abstract

The competition between the Mujtahids and the Akhbaris to get closer to the political power and the relationship with Qajar Shah is a chapter in the history of the Shiite clergy in the first half of the 13th century. The most famous Akhbari scholar in the first 30 years of the 13th century was Mirza Muhammad Akhbari who had a hard fight with Mujtahids and also got in touch with Fath-Ali Shah Qajar. One of the main reports about Fath Ali Shah's relationship with Mirza Mohammad Akhbari, which in many sources, is at the center of Mirza Mohammad's life narrative, is the story of his role in the murder of Pavel Dmitriyevich Tsitsianov (17054-1806) (commander of the Russian army in the Iran-Russia wars) or its prediction through occult sciences, spell or prayer. The main question of this article is the validity of the narration of Mirza Mohammad's role in the murder of Tsitsianov by examining the history of the narration of this report, identifying inconsistent and alternative narrations, and evaluating some details of the narration with other historical data. Investigating the story of Tsitsianov's murder is important from several points of view. First, this incident is at the center of most of the narratives about the relationship between the Shah and Mirza Mohammad Akhbari; Second This incident has found an important place in the representation of Mirza's personality and the Shah's relationship with Shiite scholars in historical sources and contemporary research, but it has not been carefully examined from a historical point of view. The findings of this research show that some of the important sources of history and biography of Mirza Mohammad Akhbari have not quoted this report or have given data inconsistent with all or part of the popular narrative. evidences also show that the Shah's good relationship with Mirza Muhammad is not only related to the Mirza's power in occult sciences, but Shah knew Mirza Muhammad as one of the reliable Shiite scholars and used him to criticize the opinions of the mujtahids.

Akhbaris, Mirza Muhammad Akhbari, Fath-Ali Shah Qajar, Pavel Dmitriyevich Tsitsianov, Qajar historiography.

Cite this The Author(s): Mohammadhoseini, K., Jafarian R., (2023). Mirza Muhammad Akhbari and the Murder of Tsitsianov (A Research on the Relationship between Fath Ali Shah Qajar and Mirza Mohammad Akhbari), Historical Sciences Studies Vol.15, No1, Serial No.34 –Summer, (85-104)- DOI: 10.22059/jhss.2023.364621.473655.





میرزا محمد اخباری (م. ۱۲۳۲ ق.) و قتل سیسیانوف روس (پژوهشی در رابطه فتحعلی‌شاه قاجار و میرزا محمد اخباری)

کامران محمدحسینی^۱، رسول جعفریان^۲

k.mohammadhoseini@ut.ac.ir

jafarianras@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

۲. استاد گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

چکیده

اطلاعات مقاله

تلاش دو رقیب عرصه علم دینی، مجتهدان و اخباریان، برای بهره‌مندی از کانون قدرت سیاسی و رابطه با شاه قاجار، فصلی از تاریخ روحانیت شیعه در آغاز سده سیزدهم قمری است. هرگونه توصیفی از این میدان رقابت، ناچار سخنی از میرزا محمد اخباری (۱۱۷۸ - ۱۲۳۲ ق) سرشناس‌ترین عالم اخباری آن دوران به میان خواهد آمد؛ اما گزارش‌ها درباره حیات سیاسی و اجتماعی میرزا محمد اخباری در حاله‌ای از افسانه و ابهام پنهان شده است. یکی از گزارش‌های اصلی درباره رابطه فتحعلی‌شاه با میرزا محمد اخباری که در بسیاری از منابع کانون گزارش‌ها زندگی میرزا محمد قرار گرفته است، ماجرای نقش او در قتل سیسیانوف (فرمانده سپاه روس در جنگ‌های ایران و روس) یا پیش‌گویی آن از طریق علوم غریبه و دعا و طلسم است. این ماجرا نقش مهمی در بازنمایی شخصیت میرزا و نوع رابطه شاه با علمای شیعه در منابع تاریخی و تحقیقات معاصر یافته، اما تاکنون از منظر تاریخی به دقت مورد بررسی نگرفته است. با وجود شهرت گزاره یاد شده، بررسی مقدماتی در منابع و مصادر تاریخی نشان می‌دهد ابهام‌های زیادی در این گزاره وجود دارد و مقاله حاضر درصدد است برای رفع این ابهامات با اتکا به منابع و مصادر دست اول این واقعه را واکاوی و پرده از اسرار آن بردارد و با روش توصیفی و تحلیلی ایت واقعه را مجدداً تبیین نماید و با این سوال؛ میزان اعتبار گزارش نقش میرزا محمد در ماجرای قتل سیسیانوف از طریق بررسی سیر تاریخی نقل این گزارش، شناسایی روایت‌های ناسازگار و جایگزین و سنجش برخی جزئیات آن با داده‌های تاریخی دیگر چگونه است؟ بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که پاره‌ای از منابع مهم تاریخی و زندگی‌نامه میرزا محمد اخباری چنین گزارشی را نقل نکرده و یا در صورت نقل این اخبار نارسایی‌های در آن وجود دارد که با داده‌هایی تاریخی ناسازگار است و یا اینکه این داده‌ها فقط بخشی از روایات رایج به دست داده‌اند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۵/۲۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۶/۳۱

اخباریان، میرزا محمد اخباری، فتحعلی‌شاه قاجار، سیسیانوف، تاریخ‌نگاری عصر قاجار.

واژه‌های کلیدی:

استاد: محمدحسینی، کامران؛ جعفریان، رسول؛ (۱۴۰۲). میرزا محمد اخباری (م. ۱۲۳۲ ق.) و قتل سیسیانوف روس (پژوهشی در رابطه فتحعلی‌شاه قاجار و میرزا محمد اخباری):

DOI: 10.22059/jhss.2023.364621.473655

پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۱۵، شماره ۲، تابستان، شماره پیاپی ۳۴ - (۱۰۴-۸۵).

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران



۱. مقدمه

میرزا محمد بن عبدالنبی (۱۱۷۸-۱۲۳۲ ق.) آخرین مدافع سرسخت و مشهور اخباری‌گری در زمانه‌ای بود که سلطه اندیشه اجتهادی و اصولی‌گری بر حوزه‌های علمی شیعی در حال استقرار بود. در ایران حکومت قاجاریه (۱۲۰۹-۱۳۴۳ ق.) شکل گرفته بود و در حال ساختن رابطه تازه‌ای با روحانیان شیعه بود. میرزا محمد اخباری که بیشتر عمرش را در عراق و ایران گذراند، به رغم دشمنی شدید با مجتهدان، با فتحعلی‌شاه در ارتباط بود و به دربار او راه داشت. عمده منابع تاریخ‌نگاری عصر قاجار میرزا محمد اخباری را مردی ساحر می‌نمایاند و بیشتر منابع تراجم‌نگاری (که همگی تحت تأثیر گفتمان اجتهادی نگاه شده‌اند) او را به هتک حرمت مجتهدان و علما و دیگر زشت‌کاری‌ها متهم می‌کنند. نتیجه اینکه علی‌رغم تعدد گزاره‌ها از زندگی میرزا محمد اخباری و روابط او با فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق.)، این گزارش‌ها آمیخته به ابهام، داستان‌گویی و ناسازگاری است.

در این مقاله به گزارش‌ها درباره «نقش میرزا محمد اخباری در قتل سیسیانوف روس» می‌پردازیم؛ داستانی که هرچند بسیار شهرت یافته، هیچ‌گاه از نظر تاریخی مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. خط اصلی داستان (بدون در نظر گرفتن اختلاف منابع) چنین است: میرزا محمد اخباری به فتحعلی‌شاه قاجار نزدیک شد و در سال ۱۲۲۰ قمری با ابزار علوم غریبه و طلسم و جادو کاری کرد که فرمانده قوای روس، سیسیانوف، در باکو کشته شود و سرش را برای شاه به تهران بیاوردند. این اوج روابط شاه با میرزا محمد اخباری بود؛ اما پس از مدتی رابطه شاه و میرزا محمد سرد شد؛ زیرا شاه از قدرت میرزا محمد به هراس افتاد و میرزا مجبور به ترک تهران و بازگشت به کاظمین شد. در این پژوهش این روایت از ماجرا را «گزارش مرجع» نامیده و گزارش‌ها و روایت‌های منابع را با آن سنجیده‌ایم.

بررسی ماجرای قتل سیسیانوف از چند نظر مهم است. نخست اینکه این ماجرا در کانون بیشتر گزارش‌ها از روابط شاه و میرزا محمد اخباری قرار دارد؛ به نحوی که گویی رابطه شاه با میرزا تنها حول این واقعه شکل گرفته بود. دوم اینکه این ماجرا در شکل دادن به داوری‌ها درباره فتحعلی‌شاه قاجار و دوران او و نیز شخصیت میرزا محمد اخباری اثرگذار بوده و هست؛ به عبارت دیگر این روایت در بازنمایی عصر قاجار و شخصیت میرزا محمد اخباری کارکردی اساسی یافته است. منابع تاریخ‌نگاری سیاسی عصر قاجار کتاب‌های خود را با نقل این ماجرای غریب و کرامت‌گونه زینت بخشیده‌اند، به طوری که منابع طرفدار میرزا محمد اخباری آن را همچون کرامتی از سوی او تلقی کرده و در پاره‌ای از منابع منتقد، او را به سحر و جادو متهم نموده‌اند.

این داستان تنها مورد علاقه نوشته‌های تاریخی عامه‌پسند و رمان‌های تاریخی (پاکروان، ۱۳۷۲: ۱۰۵-۱۰۸) نبوده است، بلکه در تحقیقات و پژوهش‌ها نیز پایه نظریاتی درباره فرهنگ

عمومی عصر قاجار، شاه و علمای شیعه قرار گرفته است. سعید نفیسی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ ش) ماجرا را با پیرایه‌ای داستان‌گویانه همچون شاهی بر خرافه‌گرایی شاه قاجار نقل کرده است (۱/۱۳۳۵: ۲۵۰-۲۵۱). حامد الگار - این ماجرا از طریق نوشته‌های او در ادبیات قاجاری‌شناسی به زبان انگلیسی نیز راه یافته است (Avery & others, 2007: 7/714) - بیشتر از نظر تحلیل موضع شاه قاجار نسبت به روحانیت شیعه به این ماجرا علاقه نشان داده است (۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۰۶). رسول جعفریان برای تحلیل جریان‌های انحرافی شیعه در سده سیزدهم از ماجرا سود جسته (۱۳۹۱: ۱۸ - ۱۹) و کاظمی موسوی داستان را شاهی بر رواج روحیه عوام‌زدگی و خرافه‌گرایی در عصر فتحعلی‌شاه دانسته است (۱۳۹۸: ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۶). همه این نویسندگان کم و بیش روایت اصلی یا بخش‌های عمده آن را پذیرفته و هیچ یک شواهد و منابع تاریخی را با هدف تقیح و نقد آن بررسی نکرده‌اند. برخی پژوهش‌های اختصاصی که سال‌های اخیر درباره میرزا محمد اخباری صورت گرفته در واقع اصل ماجرا را پذیرفته‌اند و در چند و چون آن تحقیقی نکرده‌اند (هادی دلی موسوی، ۲۰۱۷: ۱۱۰-۱۱۳؛ آل جساس، بی‌تا: ۱۰۶-۱۰۸).

در این پژوهش نگارندگان بر آن هستند نخست منابع این گزارش را شناسایی و بعد از نظر تاریخی آن را نقد کنند. از یک نظر می‌توان آن را صرفاً به این دلیل که غیرعقلانی و آشکارا داستان‌گونه است بی‌اعتبار دانست؛ اما در این پژوهش از اتخاذ چنین موضعی خودداری شده است؛ زیرا چنین موضعی کمکی به آشکار شدن ابعاد تاریخی ماجرا نخواهد کرد. بهتر است پیش از هرگونه داوری بدانیم از نظر تاریخی چه داده‌هایی درباره این گزارش در دست داریم.

پرسش اصلی پژوهش میزان اعتبار گزارش تاریخی نقش میرزا محمد اخباری در قتل سیسیانوف است. برای پاسخ به این پرسش به پرسش‌های فرعی زیر پاسخ می‌دهیم: گزارش این ماجرا چه تاریخ و تطوری داشته است و چه منابعی آن را نقل کرده و چه منابعی آن را نقل نکرده‌اند و گزارش‌های ناسازگار با آن کدام است؟ و شواهد موجود از رابطه میرزا محمد اخباری با شاه قاجار گزارش مرجع را تا چه اندازه تأیید یا تضعیف می‌کند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پاره‌ای از منابع مهم تاریخ و زندگی‌نامه میرزا محمد اخباری ماجرای نقش میرزا در قتل سیسیانوف روس را نقل نکرده یا داده‌هایی ناسازگار با کل یا بخشی از گزارش مرجع به دست داده‌اند. تاکنون در شرح زندگی میرزا محمد اخباری به مشهورترین منابع تاریخی اکتفا شده است. در این مقاله برای فراهم کردن اطلاعاتی تازه افزون بر منابع تراجم‌نگاری که در سال‌های اخیر چاپ و در دسترس قرار گرفته‌اند (آیین‌ه حق‌نما و مطارق الحق) به آثار خود میرزا محمد اخباری مراجعه کرده‌ایم و بخصوص تاریخ سفرهایش را بر اساس تاریخ نگارش این آثار استخراج کرده‌ایم.

۲. پیشینه رابطه میرزا محمد اخباری و دربار قاجار

محمد بن عبدالنبی نیشابوری در سال ۱۱۷۸ قمری در فرخ‌آباد هندوستان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در الله‌آباد و اکبرآباد هندوستان ادامه داد. در جوانی به حج رفت و به هند بازنگشت و از حدود بیست‌سالگی به عتبات رفت و در نجف و کربلا و سپس در سامرا ساکن شد (اخباری، ۱۳۵۶: ۳۱۳ - ۳۱۵). او در دفاع از اخباریان و رد و نفی طریقه علمای اصولی تلاش کرد و کتاب‌های متعددی نگاشت. می‌دانیم که نگارش کتاب در نقد اجتهاد و تأیید اخباری‌گری را از همان دهه نخست سده سیزدهم آغاز کرده بود؛ از جمله کتاب *البرهان فی التکلیف و البیان* (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۳: ۹۲) را در سال ۱۲۰۹ در کربلا به پایان رساند و *فتح الباب الی طریق الحق و الصواب* را در سال ۱۲۱۰ به پایان برد (اخباری، ۱۳۴۲: ۱۸۷). خود او از گفتگوی مجادله‌آمیز با استادش وحید بهبهانی (۱۱۱۸-۱۲۰۵ ق) در جوانی خبر داده است (اخباری، میزان الصواب: ۵). با گذر زمان اختلافات میرزا محمد اخباری با مجتهدان شدت گرفت. منابع نزدیک به مجتهدان، او را به دلیل هتک حرمت مجتهدان سرزنش کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۵). بنا بر گزارش‌هایی که بخشی از منابع تراجم‌نگاری نیز آن را قبول دارند کشته شدن میرزا محمد در سن ۵۵ سالگی در پی فتوای برخی از مجتهدان اتفاق افتاد (خوانساری، ۱۳۹۰: ج ۷: ۱۲۹؛ تنکابنی، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

میرزا محمد ارتباط زیادی با ایران داشت. اصالتی نیشابوری داشت و به فارسی می‌نوشت و شعر می‌سرود. بر اساس تاریخ انجمله آثارش می‌توان دانست که یکی از سفرهای طولانی او به ایران از سال ۱۲۱۱ آغاز شده است. او در سال ۱۲۱۱ در لار فارس در حال نگارش کتاب *تحفه لاریه* بود (اخباری، *تحفه لاریه*: ۱۴۰) و جلد نخست *صحیفه اهل الصفا* را در رجب سال ۱۲۱۲ در شهر لار به پایان رساند (صحیفه اهل الصفا: ۱: ۲۳۴ ر). میرزا در سال ۱۲۱۳ کتاب *ومضه النور* را در «محرّوسه الکدره در ارض فارس» به پایان برد (ومضه النور: ۲۸۴-۲۸۵) و در سال ۱۲۱۵ (صحیفه اهل الصفا: ۱/ ۲۳۴ ر) و رمضان ۱۲۱۶ (اخباری، مجموعه آثار: ۲ ر) نیز در فارس بود؛ زیرا در این تاریخ‌ها به شاگردانش اجازاتی داد. درباره اینکه در این مدت یکسره در ایران زندگی کرده یا به عتبات رفت و آمد کرده شواهد معتبری نداریم. برخی از اقامت پنج‌ساله او در سفر اولش به ایران خبر داده‌اند (اخباری، ۱۳۵۶: ۳۱۵). اگر این گزارش درست باشد او از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۱۶ پیوسته در ایران بوده است.

زمان آغاز سفر دوم میرزا محمد اخباری به ایران (این بار به تهران) معلوم نیست. برخی شروع سفر را بدون ارائه شاهدهی سال ۱۲۱۹ می‌دانند (آل جساس، بی‌تا: ۵۴). می‌دانیم که او در اول ذی‌حجه سال ۱۲۲۰ قمری در ری سکونت داشته و در این تاریخ رساله *مجالی‌الانوار* را نگاشته است (اخباری، *مجالی‌المجالی*: برگ ۴۳ ر). چنان‌که در ادامه مقاله خواهیم دید او در این نوبت حدود پنج سال در تهران و ری اقامت کرد. تردیدی نیست که این سفر او با عزیمتش برای نزدیکی به

دربار قاجار مرتبط است. او این بار در ری و تهران اقامت کرد و از این تاریخ به بعد است که نام شاهان و شاهزادگان قاجار در آثارش پدیدار شد. او *مجالى الانوار* و *مجالى المجالى* را در سال ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ به فتحعلی‌شاه تقدیم کرد (اخباری، مجالى المجالى: برگ ۴۳ ر) و *تحفه جهانى* را به نام محمدعلی میرزا (م. ۱۲۳۷ ق.) نوشت (اخباری، ۱۳۹۸: ۳۳۷). شواهد بیشتر از روابط حسنه او با دربار قاجار را در جای دیگری از همین مقاله ارائه خواهیم کرد. برخی برآند که این سفر به درخواست شاه قاجار صورت گرفت و او در این سفر پنج ساله نزد سلطان محترم و عزیز بود و در این مدت جوایز و مدال‌ها و فرمان‌های متعدد از شاه گرفت (اخباری، ۱۳۵۶: ۳۱۵). نویسندگانی که موضع مخالفی نسبت به میرزا محمد دارند روایت دیگری دارند. برخی از فرار میرزا محمد از فشار مجتهدان در عتبات و پناه بردن او به دربار قاجار سخن گفته‌اند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۹) و برخی هدف میرزا از این سفر را تشویق شاه به حمایت از اخباری‌گری دانسته‌اند (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

۳. قتل سیسیانوف و نقش میرزا محمد در آن

همزمان با سال نخست حضور میرزا محمد اخباری در تهران و ری، رویدادی در عرصه نظامی روی داد که در منابع تاریخی با میرزا محمد اخباری مرتبط دانسته شده است. این رویداد قتل سیسیانوف روس بود. پاول دیمیترویویچ سیسیانوف^۱ در بخشی از جنگ‌های اول ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ق.) فرمانده کل نیروهای نظامی روسیه بود. او در سال ۱۲۲۰ هجری قمری در باکو به قتل رسید. سر و دست سیسیانوف را بردند و نزد عباس میرزا (م. ۱۲۴۹ ق.) و از آنجا به تهران فرستادند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۳۸؛ باکیخانوف، ۱۳۸۳: ۲۴۰). در بیشتر منابع فارسی عهد قاجار سیسیانوف را با عنوان اشیپخدر یا ایشپخدر یاد کرده‌اند. گفته شده که این کلمه صورت تحریف شده‌ای از کلمه اینسپکتر^۲ است (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۳۰؛ دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۲: ۲۵۹۷).

سیسیانوف فرمانده نظامی موفق بود و در پیشروی قوای روس در قفقاز نقش اساس داشت (آبادیان، ۱۳۸۰: ۵۴؛ مرشدلو، ۱۳۹۸: ۱۳۵) و قتل او برای ایرانیان با اهمیت بود. فتحعلی‌شاه در نامه‌ای به فرزندش، عباس میرزا، اشیپخدر را به صفت رشادت یاد کرده است (بدیعی، ۱۳۷۳: ۱۳). خاوری، تاریخ‌نگار دربار فتحعلی‌شاه، به بهانه قتل سیسیانوف ابیاتی سرود و جنگاوری او را با اسفندیار و رستم و طغرل تکین مقایسه کرد و قتل او را فیض یزدانی دانست (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۳۹).

به گفته خاوری خبر قتل اشیپخدر در ششم ذی‌حجه سال ۱۲۲۰ به تهران رسید (۱۳۸۰: ج ۱: ۲۳۸). تاریخ‌نگاران گزارش قتل سیسیانوف را بعد از حرکت عباس میرزا از تبریز به سمت موغان ذکر کرده‌اند. تاریخ حرکت عباس میرزا ۲۲ ذی‌قعدة بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۳۷؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۳۸). در نتیجه قتل سیسیانوف در فاصله ۲۲ ذی‌قعدة تا چند روز پیش از ششم ذی‌الحجه

1. Dimitriovitch pavel Tsitsianov

2. inspector

اتفاق افتاده است. در برخی پژوهش‌ها تاریخ قتل سبسیانوف بیستم فوریه سال ۱۸۰۶، برابر با اول ذی‌حجه سال ۱۲۲۰، دانسته شده است (رئیس‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۱۸).

۳-۱. نقش میرزا در قتل سبسیانوف (گزارش مرجع)

در ادامه مقاله جزییات تفاوت گزارش‌ها از نقش میرزا در قتل سبسیانوف را بررسی خواهیم کرد. آنچه در اینجا می‌آید خط اصلی داستان است که بر اساس مفصل‌ترین گزارش‌ها فراهم آمده و در واقع روایت معیار شده از این ماجرا است. مفصل‌ترین گزارش‌ها که از نقش میرزا محمد اخباری در قتل سبسیانوف سخن می‌گویند به ترتیب زمان نگارش در *بستان السباحه*، *تاریخ ذوالقرنین*، *ناسخ التواریخ و قصص العلماء* آمده است. خط اصلی داستان چنین است: توافق شد که میرزا، در عرض چهل روز، از طریق علوم غریبه و طلسمات کاری کند که سبسیانوف کشته شود. میرزا چهل روز در زاویه‌ای در حرم عبدالعظیم حسنی در ری بست نشست، اذکاری خواند و کارهایی کرد و در نهایت در همان روزی که وعده کرده بود سر سبسیانوف به تهران رسید. در پی این ماجرا شاه یا اطرافیانش از قدرت میرزا محمد ترسیدند و او را با احترام از تهران اخراج و روانه عتبات کردند (سپهر، ۱۳۴۴: ۱ ج: ۱۴۳-۱۴۴؛ تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۲۳).

۳-۲. تطور تاریخی گزارش نقش میرزا در قتل سبسیانوف

هر داستان تاریخی، فارغ از رویدادی که گزارش می‌کند، خود داستانی دارد. پیش از آنکه بخواهیم یا بتوانیم درباره چندی و چگونگی یک رویداد تاریخی داوری کنیم، باید داستان روایت‌ها از آن رویداد را بشناسیم. در جستجوی گزارش‌های یک رویداد تاریخی، سیر زمانی ظهور و نقل گزارش‌ها، تفاوت آن‌ها با یکدیگر و حتی گزارش نشدن یک رویداد در پاره‌ای منابع، آگاهی‌هایی مهم هستند. در این بخش تلاش می‌کنیم داستان گزارش نقش میرزا محمد اخباری در قتل سبسیانوف را با رویکردی انتقادی بازخوانی کنیم.

۳-۳. از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۴۸: سکوت منابع و گزارش‌های ناسازگار با گزارش مرجع

ماجرای دعا یا طلسم میرزا محمد و قتل سبسیانوف در پی آن تا ۲۸ سال پس از تاریخ رویداد در هیچ منبع تاریخی نقل نشده است. این در حالی است که در این فاصله تعدادی از منابع مهم تاریخ‌نگاری سیاسی قاجاری و نیز پاره‌ای از مهم‌ترین منابع شرح حال میرزا نوشته شده‌اند اما به شرحی که خواهیم دید یا به ماجرا اشاره نکرده‌اند یا حاوی اطلاعاتی ناسازگار با گزارش مرجع درباره نقش میرزا در قتل سبسیانوف هستند.

در ابتدا باید به منابع تاریخ‌نگاری سیاسی عصر قاجار که این داستان را نقل نکرده‌اند، اشاره کرد. *مآثر السلطانیه* که در سال ۱۲۴۱ قمری نگاشته شده و داستان کشته شدن سبسیانوف را نیز نقل کرده است (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۳۸)، از جمله منابع اولیه تاریخ قاجار است که به ماجرای پیشگویی میرزا محمد اشاره‌ای نمی‌کند. میرزا محمد صادق مروزی که *تاریخ جهان‌آرا* را در سال ۱۲۴۸ به پایان رسانده نیز در وقایع سال ۱۲۲۰ ماجرای قتل سبسیانوف را نقل کرده است اما

سخنی از میرزا محمد اخباری نمی‌آورد. (نک: مروزی، تاریخ جهان آرا: ۲۰۷-۲۰۸) این دو از منابع اصلی تاریخ جنگ‌های ایران و روس به شمار می‌روند.

قتل سیسیانوف با دعا یا طلسم میرزا محمد اخباری، خدمت مهمی به شاه قاجار به حساب می‌آمد و جا داشت که خود میرزا از این واقعه در آثارش یاد کند؛ اما ما تاکنون در آثار او اشاره‌ای به ماجرای سیسیانوف نیافته‌ایم. او *صحیفه اهل الصفا* را در سال ۱۲۲۵ (حدود چهار سال پس از ماجرای قتل سیسیانوف) نوشت و در شرح حال خود به اقامتش در تهران و همزمانی‌اش با شاه قاجار اشاره کرد اما از این ماجرا چیزی نوشت (اخباری، صحیفه اهل الصفا: ج ۲: ۲۵۶ پ - ۲۵۷ ر).

غیر از آثار میرزا محمد، چند منبع دیگر درباره زندگی او وجود دارد که همگی در حیات میرزا یا بسیار نزدیک به آن نوشته شده‌اند اما به شرحی که خواهیم دید از این آثار نیز نمی‌توان به وقوع قتل سیسیانوف و نقش میرزا محمد در آن پی برد. برخی از این منابع همچنین شامل گزارش‌هایی هستند که با گزارش مرجع درباره قتل سیسیانوف سازگار نیست. نخستین منبع رساله‌ای است که شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، مجتهد مشهور، علیه میرزا محمد نوشت و آن را *کاشف‌الغطاء عن معایب میرزا محمد عدو العلماء* گذاشت. او این اثر را در ۱۲۲۳ در تهران نگاشت و آن را برای شاه قاجار فرستاد (خوانساری، بی‌تا: ج ۲: ۲۰۰). شیخ جعفر کاشف‌الغطاء در این رساله میرزا را به شدت نقد و از نفوذ او در درباره شاه قاجار یاد کرده است اما به ماجرای سیسیانوف هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. البته شیخ جعفر کاشف‌الغطاء در این اثر به ادعای میرزا درباره خبر دادن از امور پنهان اشاره کرده است و در برابر آن موضع گرفته و می‌نویسد حتی اگر خبرهای او درست باشد از قبیل کرامت اولیا و صالحان نیست بلکه از قبیل ارتباط با شیاطین و اجنه است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۹۴).

آئینه حق‌نما که در سال ۱۲۳۱ در هندوستان نوشته شد، دیگر منبع مهم زندگی‌نامه میرزا محمد اخباری است که به ماجرای سیسیانوف اشاره‌ای نکرده است. نویسنده که از شاگردان مجتهد بزرگ هندوستان دلداری علی نقوی (م. ۱۲۳۵ ق.) است، این کتاب موضعی بسیار تند علیه میرزا محمد اخباری دارد. او به ادعاهای بزرگ میرزا در امور خارق عادت نیز اشاره کرده است (آئینه حق‌نما، ۱۳۹۴: ج ۱: ۳۲۳) اما سخنی از ماجرای سیسیانوف نیاورده است. نویسنده نامه‌ای را از شاه به میرزا محمد نقل کرده است که نشان می‌دهد میرزا محمد وعده‌هایی به شاه داده بود و در عوض از شاه می‌خواست که «مذهب مخصوص» او را ترویج کند و دین عموم مسلمین را تصحیح نماید (آئینه حق‌نما، ۱۳۹۴: ج ۱: ۳۵۱). در این نامه به چپستی تعهدات میرزا محمد اخباری اشاره نشده است. فقط این قدر می‌توان دانست که شاه از بدعهدی میرزا ناراحت است و از اجرای درخواست او برای ترویج مذهب مورد نظرش سرباز می‌زند (آئینه حق‌نما، ۱۳۹۴: ج ۱: ۳۵۰-۳۵۱). در این کتاب همچنین مکاتبه‌ای بین میرزا محمد اخباری و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء نقل شده است

که ابعاد تازه‌ای از ماجرا را آشکار می‌کند. شیخ جعفر کاشف‌الغطاء در جایی از نامه خود به میرزا محمد طعنه می‌زند که تو متعهد شده بودی تا پایان این ماه کفار را (احتمالاً منظور روس‌ها هستند) از میان ببری اما حالا پنج روز از موعد گذشته و برماست که از تو برائت بجوییم؛ چون دروغ گفتن به «ظل الله المبسوطه فی الارضین المقوم للدين» در حکم استهزای شریعت سیدالمرسلین و ائمه اطهار و علما است (آئینه حق‌نما، ۱۳۹۴: ج ۱: ۳۲۶-۳۲۵). میرزا محمد در پاسخ کاشف‌الغطاء چند بار تأکید می‌کند که او تنها دعا کرده و اجابت آن با خداست و دعا را نمی‌توان به صدق و کذب متصف کرد (آئینه حق‌نما، ۱۳۹۴: ج ۱: ۳۲۹-۳۳۰).

منبع دیگری که در همان زمان و در همان حوزه جغرافیایی (هندوستان) نگاشته شده و با کتاب *آئینه حق‌نما* مرتبط است کتاب *مطارق الحق و الیقین لکسر المعوال و سد المقوال* است و باز هم نوشته برخی شاگردان دلداری علی نقوی است. این کتاب در ۱۳۳۳ (یک سال پس از قتل میرزا محمد) به اتمام رسیده است. این منبع که بخشی از آن به ضمیمه کتاب *آئینه حق‌نما* منتشر شده است شامل برخی اطلاعات منحصر به فرد دیگر از ماجرای مورد نظر ما است. از جمله صورت استشهادنامه‌هایی که برخی کسان آن را امضا کرده و به احوال میرزا محمد اخباری و از جمله اخراج شدنش از تهران شهادت داده‌اند. در یکی از این استشهادنامه‌ها تصریح شده که میرزا محمد اخباری قول «انهدام روسیه» را به شاه داده بود اما از وعده‌اش تخلف کرد (آئینه حق‌نما، ۱۳۹۴: ج ۲: ۱۱۲۷). بر اساس اسناد کتاب *آئینه حق‌نما* و *مطارق‌الحق* (که فعلاً راهی برای تأیید یا رد آنها نداریم) میرزا محمد قرار بوده از طریق دعا کاری علیه روس‌ها انجام دهد اما برخلاف گزارش مرجع موفق به این کار نشده است، در حالی که تمامی روایت‌های دیگر از ماجرا بر توفیق میرزا در قتل سیسیانوف استوار گشته است.

۳-۴. سال ۱۲۴۸ تا ۱۲۵۸ ظهور نخستین گزارش‌ها در منابع تاریخی

دیدیم که تقریباً در فاصله سه دهه از قتل سیسیانوف، ماجرای نقش دعا یا طلسم میرزا محمد اخباری در قتل او در منابع تاریخی راه نیافته بود. این ماجرا را نخستین بار زین‌العابدین کاشانی در *بستان‌السیاحه* (نگاشته شده در سال ۱۲۴۸ ق.) روایت کرد (شیروانی، بی‌تا: ۶۷۳). کاشانی ادعا کرده یک‌بار میرزا محمد اخباری را در کربلا دیده است (شیروانی، بی‌تا: ۵۸۱) اما وی در هنگام نگارش کتاب یادداشت‌هایش را از دست داده بود و به حافظه‌اش اتکا داشت. شیروانی که میرزا را بزرگ داشته، ماجرای قتل سیسیانوف را از کرامات او به شمار آورده است و تصریح می‌کند که «از آن جناب کرامات و خوارق عادات بطریق تواتر بسیار استماع نموده است» (شیروانی، بی‌تا: ۵۸۱). به گزارش او میرزا به شاه قول داد که «سر سپهدار روسیه را از ایزد تعالی درخواهم که روز چهلم نزد پادشاه حاضر باشد» (شیروانی، بی‌تا: ۵۸۱). آیا کاشانی ماجرای سیسیانوف را نیز به طریق تواتر استماع کرده بود یا آن را از منبعی مکتوب نقل می‌کرد؟ در اینباره چیزی نمی‌دانیم.

این ماجرا یک سال بعد در کتاب *تاریخ ذوالقرنین*، نوشته شده در سال ۱۲۴۹ (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۶۳۳)، در وقایع سال ۱۲۲۰ قمری ثبت شده است. *تاریخ ذوالقرنین* از منابع رسمی تاریخ ایام سلطنت فتحعلی شاه نوشته فضل الله خاوری است. به نوشته وی، میرزا محمد اخباری که «مدتی بود که در درگاه همایون اعلی اوقات به دعاگویی می گماشت، یک اربعین به کاری که می دانست به سر برد و بیست روز قبل از وصول قتل ایشپخدر، خبر داد و حجت پا به مهر به امنای دولت سپرد تا الحمدالله سر آن روس منحوس را آوردند» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۳۹). از میان کتاب هایی که در دهه پنجاه نوشته شده است، کتاب *اکسیر التواریخ* (نوشته شده در سال ۱۲۵۸) به کرامات میرزا محمد از جمله پیشگویی قتل سیسیانوف اشاره کرده است. گزارش او تفصیل زیادی ندارد و به روایت *بستان السیاحه* نزدیک است. او نیز ماجرا را از قبیل کرامات و خوراکی عادات میرزا می داند و می نویسد:

«میرزا محمد [متعهد گردید که پس از مدت چهل روز در فلان ساعت سر ایشپخدر در دارالخلافه حاضر خواهد شد و پس از مدت مزبور آنچه مذکور ساخته بود کما هو حقه به عرصه ظهور آمد» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۸۴).

۳-۵. سال ۱۲۶۰: ناسخ التواریخ و شکل گیری کامل ترین گزارش

نگاشته شدن کتاب *ناسخ التواریخ* در سال ۱۲۶۰ قمری بی تردید نقطه عطفی در تاریخ گزارش ماجرای میرزا محمد و سر سیسیانوف است. روایت سپهر مفصل ترین گزارش درباره این ماجرا و شامل جزئیاتی قصه پردازانه است (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۱: ۱۴۳-۱۴۴) که قبل از او در منبعی نقل نشده است و پس از او نیز از همین کتاب به منابع دیگر راه یافته است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ج ۲: ۶۹۰-۶۹۱). گزارش سپهر شامل شرحی از اعمال میرزا محمد در ایام بست نشینی برای قتل سیسیانوف است. به گزارش سپهر، میرزا در حجره اش در حرم حضرت عبدالعظیم صورت مردی را به قصد ایشپخدر بر دیوار زاویه رسم کرد و «خود بنشست و آن ذکری که می دانست به کار بست» (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۱: ۱۴۳) سپهر از قول عبدالحسین خان که ادعا شده در آن ایام میرزا را دیده است، می نویسد:

«او را نگریستم که رشته ای از پس پشت گذرانیده بر دو جانب آن صورت که بر دیوار کرده بسته بود و هر دو چشم بر چهره آن تمثال برگماشته بدانسان که دو پیاله خونینی می نمود و پیوسته کلماتی چند بر زبان داشت ... این کار همی داشت تا روزی که هنگام بود، کاردی بگرفت و بر سینه آن نقش که بر دیوار کرده بود بکوفت و باز آمد و بگفت ایشپخدر در این وقت کشته شد.» (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۱: ۱۴۴).

گزارش *ناسخ التواریخ* همچنین توضیحاتی دارد درباره اینکه در روز موعود وقتی رسیدن سر سیسیانوف تأخیر شد شاه قاصدی نزد میرزا فرستاد و میرزا خبر داد که در راه پای اسب لنگ شده و وقتی قاصد به تهران رسید معلوم شد که سخن میرزا درست بوده است (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۱: ۱۴۴). این کتاب همچنین تنها منبعی است که گزارش می دهد که امنای دولت قاجار چون توانایی میرزا

را دیدند از او خواستند که پادشاه روس را نیز به قتل رساند اما او این را کار ممکن ندانست (سپهر، ۱۳۴۴: ج ۱: ۱۴۴).

۶-۳. از ۱۲۶۰ تا ۱۲۹۰: از سکوت روضات‌الجنت تا شرح جزئیات ماجرا در قصص العلماء

نسخ *التواریخ* در سال ۱۲۶۰ مفصل‌ترین گزارش موجود درباره ماجرای میرزا و سیسیانوف را در خود جای داده است، اما محمدباقر خوانساری نویسنده *روضات‌الجنت* که مجلدات گوناگون کتاب را در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد سده سیزدهم نگاشته است (معلم حبیب آبادی، ۱۳۶۲: ج ۳، ۸۰۹)، با اینکه شرح حال مفصلی از میرزا محمد در کتابش آورده است (خوانساری، ۱۳۹۲: ج ۷: ۱۲۷-۱۴۴)، هیچ اشاره‌ای به ماجرای سر سیسیانوف نمی‌کند. خوانساری در نگارش اثرش بر منابع تراجم‌نگاری تکیه داشت و از جمله برای شرح زندگی میرزا محمد از کتاب خود او *صحیفه اهل الصفا* بهره گرفت (خوانساری، ۱۳۹۲: ج ۷: ۱۲۷). اینکه خوانساری این داستان را نقل نکرده شاید به این معنا باشد که این داستان تا دهه هشتم سده سیزدهم هنوز در منابع تراجم‌نگاری علمای شیعه راه نیافته و در محافل علمی شیعی که *روضات‌الجنت* نیز وابسته به آن است رواجی نداشته یا داستان قابل اعتمادی به شمار نمی‌آمده است.

شیوه و منابع تنکابنی، نویسنده کتاب مشهور *قصص العلماء* (نوشته شده در سال ۱۲۹۰)، با خوانساری تفاوت اساسی داشت. گزارش او از ماجرای میرزا و سیسیانوف، از نظر تفصیل و بلندی، در رتبه بعد از *نسخ التواریخ* قرار دارد و به‌رغم برخی تفاوت‌ها در جزئیات، می‌توان گزارش او را تحت تأثیر روایت *نسخ التواریخ* دانست. در *قصص العلماء* نیز احوالات میرزا در هنگام چله‌نشینی نقل شده است:

«پس میرزا یک اربعین به ختم نشست و به ختم آیه الکرسی با ده وقف به شرایطی که در میان ایشان متداول بود شروع نمود و ترک حیوانی کرده و صورتی از موم درست کرده و در -اثنای شمشیر به گردن آن صورت نواخت» (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

تنکابنی تنها منبعی است که ادکار میرزا محمد در هنگام چله‌نشینی را نیز نقل می‌کند. غیر از آن یک تفاوت مهم گزارش او با دیگر منابع، اشاره به انگیزه میرزا از این کار است. به گفته او میرزا به شاه وعده سر سیسیانوف را داد و در عوض از او خواست تا «مذهب مجتهدین را منسوخ و متروک» سازد و «بیخ و بن مجتهدین را قلع و قمع» نماید و مذهب اخباری را در بلاد ایران رواج دهد و شاه نیز این درخواست را پذیرفت (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

۴. ارزیابی گزاره اخراج میرزا محمد در پیامد قتل سیسیانوف

بیشتر منابعی که درباره پایان روابط میرزا و شاه سخن گفته‌اند اتفاق نظر دارند که رابطه خوب شاه و میرزا پس از مدتی از بین رفت و به سردی گرایید و شاه میرزا را محترمانه از تهران اخراج کرد. بنا بر گزارش منابع تاریخ‌نگاری سیاسی قاجاری و کتاب *قصص العلماء* تنکابنی بعد از قتل

سیسیانوف شاه از قدرت غیبی میرزا وحشت کرد و او را محترمانه به عتبات فرستاد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۴۰). در برابر این روایت، بخش دیگری از منابع برآنند که اختلاف میرزا و شاه وقتی ظاهر شد که میرزا در عمل به وعده‌اش برای اقدامی علیه روس‌ها ناتوان ماند (آینه حق‌نما: ۱۳۹۴: ج ۱: ۳۲۴، آینه حق‌نما: ۱۳۹۴: ج ۲: ۱۱۲۷).

ادعای اخراج میرزا از تهران به دلیل ترس شاه از قدرت میرزا مستلزم این است که میرزا محمد اخباری مدت اندکی بعد از پیشامد قتل سیسیانوف (شکست میرزا در تحقق این وعده) از تهران خارج (اخراج) شده و به عتبات رفته باشد؛ اما بررسی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که چنین ادعایی درست نیست و میرزا محمد اخباری تا دست کم پنج سال پس از این تاریخ در تهران و ری سکونت داشته و پس از آن نیز ارتباط دوستانه با قاجاریان را ادامه داده است. مدت حضور میرزا در تهران را در ادامه بررسی خواهیم کرد. همچنین از شواهدی سخن خواهیم گفت که نشان می‌دهد روابط میرزا و شاه اصولاً وابسته به ماجرای قدرت غیبی شاه یا سر سیسیانوف نبوده است. این شواهد همچنین گزارش‌هایی را تضعیف می‌کند که خروج میرزا از تهران را نتیجه ناتوانی او در برآوردن وعده‌هایش علیه روس‌ها و غضب شاه از این موضوع می‌دانند. مگر اینکه گفته شود که ادعاهای میرزا برای غلبه بر روس مربوط به سال‌های ۱۲۲۵ و پس از آن بوده است.

۴-۱. مدت اقامت میرزا در تهران

سفر میرزا محمد به ری در اواخر سال ۱۲۲۰ قمری شروع شد. میرزا رساله *المجالى الانوار* را در اول ذی‌حجه سال ۱۲۲۰ قمری در ری در زاویه عبدالعظیم حسنی نگاشت و به فتحعلی‌شاه قاجار تقدیم کرد (اخباری، *مجالى المجالى*: ۴۳ ر). تقریباً یک ماه بعد، در محرم سال ۱۲۲۱ رساله *تحفه جهانبانی* را نگاشت و آن را به محمدعلی میرزا، والی کرمانشاه، تقدیم کرد (اخباری، ۱۳۹۸: ۲۷۶، ۳۳۷). مکان نگارش رساله معلوم نیست. نمی‌دانیم که آیا در هنگام نگارش کتاب *تحفه جهانبانی* در کرمانشاه بوده یا نه؟ اما می‌دانیم که او سه ماه بعد یعنی در ربیع‌الثانی سال ۱۲۲۱ مدتی در اصفهان اقامت داشته و در آنجا رساله *مجالى المجالى* را به اتمام رسانید (اخباری، *مجالى المجالى*: ۴۳ ر) و این کتاب را نیز به «حضرة خاقان اقلیمین محسوس و معقول السلطان فتحعلی‌شاه قاجار» تقدیم کرد. (اخباری، *مجالى المجالى*: ۲ ر).

میرزا دهم شعبان سال ۱۲۲۳ کتاب *نجم الولاية* را در حرم عبدالعظیم نگاشت (اخباری، *نجم الولاية*: ۱۱۳). در همین سال در پاسخ به درخواست فتحعلی‌شاه رساله کوتاهی درباره جواز شهادت ثلثه در اذان نوشت (اخباری، رد منع از شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علی: ۱۹۹). او در ۱۲۲۴ نیز در تهران بود و در ربیع‌الاول این سال *حجر ملقم* (اخباری، *حجر ملقم*: ۱۸۱) و در ماه صفر رساله *شمس الحقیقه* (اخباری، *شمس الحقیقه*: ۱۳۸) و در ربیع‌الثانی رساله *حقیقه الاعیان* را نگاشت (اخباری، *حقیقه*

الاعیان: ۱۵۹). تردیدی نداریم که میرزا محمد در سال ۱۲۲۵ نیز هنوز در ایران و در ری بوده است زیرا او جلد دوم کتاب *صحیفه اهل الصفا* را در بیستم رجب سال ۱۲۲۵ در ری به پایان رسانده است (اخباری، صحیفه اهل الصفا: ۲/ ۳۶۷). درباره پیوستگی یا ناپیوستگی حضور میرزا محمد اخباری در تهران به سختی می‌توان اطمینان یافت. برخی پژوهشگران بر آنند که میرزا اوایل سال ۱۲۲۱ تهران را ترک کرده و به کربلا و نجف سفر کرد اما در سال ۱۲۲۲ به ایران بازگشت و در ری اقامت کرد. مصحح کتاب *عقبات العنبریه* که این نظریه را مطرح کرده از منبع سخنی نگفته است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۸: ۸۶) و نویسنده *شهید المحدثین* که همین زمان‌بندی را پذیرفته نیز شواهدی در تأیید آن ارائه نمی‌کند (آل‌جساس، بی‌تا: ۵۵-۵۶). در نهایت باید گفت که تاکنون شاهد معتبری برای خروج میرزا محمد اخباری از تهران در فاصله سال‌های ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۵ در دست نداریم. در انجامه هیچ یک از آثار میرزا محمد اخباری که در این فاصله زمانی نگارش شده مکانی خارج از ایران درج نشده است.

۴-۲. پایداری روابط میرزا و شاه

بالا‌تر نشان دادیم که شاهی بر خروج میرزا محمد اخباری از تهران در فاصله سال‌های ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۵ نداریم. افزون بر آن گزارش‌هایی داریم که نشان می‌دهد میرزا محمد اخباری در این مدت روابط خوبی با شاه قاجار داشته است. برخی از این گزارش‌ها نشان می‌دهد که اصولاً رابطه شاه و میرزا ارتباط مستقیمی به ادعاهای غیبی میرزا محمد نداشته بلکه شاه میرزا را همچون یک روحانی بلندمرتبه شیعی پذیرفته و مورد مشورت قرار می‌داده است.

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء در سال ۱۲۲۳ قمری در تهران بود و در این سال رساله‌ای علیه میرزا نوشت و آن را *کشف الغطاء فی معایب میرزا محمد عدو العلماء* نام کرد. نگارش این کتاب نشان می‌دهد که میرزا محمد اخباری در آن زمان در تهران نفوذ زیادی داشته و شاه از او حمایت می‌کرده است. کاشف‌الغطاء به حمایت شاه از میرزا تصریح می‌کند و از متن کتاب روشن است که از نفوذ میرزا در دربار قاجار ناراضی است. او تصریح می‌کند که شاه برای میرزا در تهران خانه‌ای فراهم کرده و اموالی به او بخشیده و زندگی مرفهی برایش ساخته است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۹). به گزارش شیخ جعفر، میرزا محمد بر نسخه کتاب فقهی او یعنی *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه العرا* حواشی‌ای انتقادی نوشته بود در حالی که به گفته شیخ جعفر این نسخه به شاه اهدا شده بود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۸). شیخ جعفر از تعرض میرزا به کتاب خود خشمگین بود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۱۰) و چه بسا همین کار بود که او را به نگارش کتابی علیه میرزا واداشت. این همه نشان دهنده نزدیکی میرزا به شاه است. این حدس را هم می‌توان مطرح کرد که شاه خود این نسخه را برای نگارش حواشی انتقادی در اختیار میرزا گذاشته باشد. اگر این حدس درست باشد، حاکی از سیاست مذهبی فتحعلی‌شاه قاجار در ایجاد تعادل بین نیروهای متضاد روحانیت شیعه است. شاهد

بعدی نیز چنین رویه‌ای را تأیید می‌کند. شاهد دیگری از همین سال ۱۲۳۳ در دست است که نشان می‌دهد میرزا محمد اخباری در این سال و همان زمان که شیخ جعفر نجفی در تهران حضور داشت از منزلت بالایی نزد شاه برخوردار بوده است. شاه در این سال از میرزا محمد خواست که در رساله‌ای فتوای شیخ جعفر درباره منع شهادت ثالثه در اذان را نقد کند (اخباری، رد منع از شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علی: ۱۸۱). میرزا پاسخ خود را به شکل رساله‌ای کوتاه در تاریخ پنجم جمادی‌الاولی سال ۱۲۳۳ به نگارش درآورد (همان: ۱۹۹). ارسال این نامه برای میرزا محمد اخباری یا از این باب است که شاه می‌خواسته پشتوانه نظری برای عمل نکردن به فتوای شیخ جعفر کاشف‌الغطاء داشته باشد یا این کار بخشی از سیاست مذهبی او برای حمایت از طرف‌های متخاصم مذهبی بوده است. به هر حال این ماجرا نشان می‌دهد که شاه برای اعتبار زیادی قائل بوده است. شاهد دیگری که از رابطه خوب شاه و میرزا حکایت می‌کند نامه‌ای است از شیخ موسی کاشف‌الغطاء، پسر شیخ جعفر، به شاه قاجار که در کتاب *عبقات‌العنبریه* نقل شده است. این نامه اندکی پس از وفات شیخ جعفر نگاشته شده است و شیخ موسی در آن درگذشت پدرش را به شاه تسلیت می‌گوید. شیخ موسی در بخشی از این نامه از میرزا محمد (با عنوان محدث نیشابوری) یاد کرده و به کنایه از حمایت شاه از میرزا شکایت کرده است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۸: ۲۰۷). نامه فتحعلی‌شاه به شیخ موسی نیز در پاسخ این نامه در کتاب درج شده است و جالب اینکه در این نامه شاه از میرزا محمد با القابی بلند یاد کرده و اشاره می‌کند که از حضور میرزا فیض می‌برد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۳: ۲۰۸). تاریخ وفات شیخ جعفر کاشف‌الغطاء را ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ثبت کرده‌اند (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۵). اگر این نامه اصالت داشته باشد، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده روابط حسنه شاه با میرزا محمد تا سال ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ است، همچنین حاکی از حضور میرزا محمد در تهران و ارتباط او با شاه قاجار در این سال‌ها است؛ اما به محتوا و تاریخ این نامه نمی‌توان چندان اطمینان داشت چراکه شاهد دیگری برای سفر میرزا به تهران در این سال‌ها نداریم. از سوی دیگر به برخی از آثار میرزا دسترسی داریم که در سال ۱۲۲۷ و ۱۲۲۸ در کاظمین نگاشته شده است. از جمله رساله‌های *ایقاظ‌النبيه* در شوال ۱۲۲۷ (طریحی، ۱۴۰۹: ۱۳۴) و *معاول العقول* (درایتی، ۱۳۹۲: ۳۰/ ۲۸۴) و *موارد‌الرشاد* (طریحی، ۱۴۰۹: ۱۳۲) در همان سال نوشته شده و *ضیاء المتقین* در رجب سال ۱۲۲۸ (اخباری، ضیاء المتقین: ۶۱) و *غمزۀ البرهان* در ذی‌الحجه همان سال (اخباری، غمزۀ البرهان: ۸۰) در کاظمین به پایان رسیده است.

۵. نتیجه

مسئله اصلی این مقاله بررسی و اعتبارسنجی گزارش تاریخی نقش میرزا محمد اخباری در ماجرای قتل سیسیانوف بود. برای سنجش این ماجرا شرحی از رویداد را که شامل عناصر اصلی و تکرار شونده مهم‌ترین گزارش‌ها از ماجرا است، گزارش مرجع نامیدیم و اولاً سیر تطور

شکل‌گیری آن و میزان و نوع انحراف گزارش تک‌تک منابع (نوشته‌شده از زمان وقوع رویداد تا پایان سده سیزدهم) را از گزارش مرجع بررسی کردیم و ثانیاً برخی جنبه‌های گزارش مرجع را با استفاده از شواهد تاریخی بیرون از آن نقد کردیم.

عناصر گزارش مرجع چنین است: تصمیم پیشین بر قتل سیسیانوف از طریق علوم غریبه و دعا و طلسم، موفقیت میرزا در این کار، ترس شاه از قدرت میرزا و اخراج میرزا از تهران. این گزارش تنها بعد از ۲۸ سال از وقوع ماجرا (سال ۱۲۲۰ قمری) در منابع تاریخی و تراجم‌نگاری پدیدار شده است. تعدادی از مهم‌ترین منابع تاریخی و تراجم‌نگاری که در این ۲۸ سال نگاشته شده‌اند یا به موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند یا حاوی اطلاعاتی ناسازگارند. از جمله در آیینة حق‌نما و مطارق‌الحق سندهایی نقل شده که تأکید می‌کنند میرزا ادعای اقدامی را علیه روس‌ها داشت اما در این کار توفیقی نیافت.

پایان‌بندی گزارش مرجع چنین است که رابطه میرزا و شاه قاجار پس از مدتی به سردی گرایید. علت آن نیز ترس شاه از قدرت میرزا محمد اخباری بود. شاه در پی این ماجرا میرزا را از تهران راند و روانه عتبات کرد. با بررسی مجدد تاریخ سفرهای میرزا محمد اخباری دانستیم که او تا چند سال بعد از ماجرای قتل سیسیانوف همچنان در تهران سکونت داشته است. از سوی دیگر شواهدی وجود دارد که حکایت از پایداری روابط حسنه بین او و شاه قاجار دارد. حتی این شواهد نشان می‌دهد که رابطه میرزا و شاه محدود به ماجرای قتل سیسیانوف یا توانایی‌های میرزا در علوم خفیه و مانند آن نبود بلکه شاه میرزا را به عنوان یک روحانی بلندمرتبه شیعی به رسمیت می‌شناخت و از وجود او بهره می‌گرفت تا در صورت لزوم جبهه مقابل و معارض با مجتهدان را در تهران تقویت کند.

منابع

آبادیان، حسین (۱۳۸۰). *روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.*

آل جساس، ابوالحسن علی بن جعفر (بی‌تا)، *شهیدالمحدثین، (کتاب الکترونیکی) بازیابی در: https://archive.org/details/20200713_20200713_1425*

اخباری، محمد بن عبدالنبی (۱۳۴۲). *فتح الباب الی الحق و الصواب، به کوشش احمد بن میرزا عبدالله، نجف، مطبعة العلویه.*

اخباری، محمد بن عبدالنبی (۱۳۵۶). *ایقاظ النبیه فی ذکر ما اجمع علیه و اختلف فیه، تصحیح ابراهیم بن میرزا احمد جمال‌الدین، مطبعه الثغر.*

اخباری، محمد بن عبدالنبی (۱۳۹۸). *تحفه جهانبانی، تصحیح کامران محمدحسینی و رسول جعفریان، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر پانزدهم.*

اخباری، محمد بن عبدالنبی (۱۴۴۰). *انموذج المرتاضین، منشورات دارالحسین، بازیابی در: https://archive.org/details/20200713_20200713_1438*

اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). *تحفه لاریه، نسخه خطی شماره ۳۳۴۱، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.*

- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). حجر ملقم، نسخه شماره ۲۷۹۷، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). حقیقه الاعیان، نسخه شماره ۱۵۴، کتابخانه حجتیه قم.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). رد منع از شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علی، نسخه شماره ۲۷۹۷، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). شمس الحقیقه، نسخه شماره ۱۵۴، کتابخانه حجتیه قم.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). صحیفه اهل الصفا فی ذکر اهل الاجتباء و الاصفاء، ج ۱، شماره ۳۳۶۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). صحیفه اهل الصفا فی ذکر اهل الاجتباء و الاصفاء، ج ۲، شماره ۷۰۳۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). ضیاء المتقین، نسخه شماره ۳۸۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). غمزه البرهان، نسخه شماره ۳۸۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). مجالی المجالی، نسخه شماره ۴۲۹۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). مجموعه آثار، نسخه شماره ۹۲۲، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). معاول العقول فی قلع اساس الاصول، نسخه شماره ۷۰۵۰، کتابخانه آستان قدس رضوی
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). نجم الولا یه لمن اراد الهدایه، نسخه شماره ۵۴۹، کتابخانه مدرسه حجتیه قم.
- اخباری، محمد بن عبدالنبی (خطی). ومضه النور، نسخه شماره ۳۷۹۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۹۵). اکسیر التواریخ، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، اساطیر.
- آئینه حقیقه (۱۳۹۴). تألیف برخی از شاگردان غفران مآب، تحقیق علی فاضلی، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه.
- باکیخانوف، عباسقلی (۱۳۸۲). گلستان ارم، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.
- بدیعی، پرویز (۱۳۷۳). نامه فتحملیشاه قاجار به فرزندش عباس میرزا، گنجینه اسناد، شماره ۱۶.
- پاکروان، امینه (۱۳۷۶). عباس میرزا و فتحعلی شاه قاجار، ترجمه صفیه روحی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان (۱۳۸۹). قصص العلماء، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، علمی و فرهنگی.
- تهرانی، آقابرگ محمدحسن (۱۴۰۳ ق.). الذریعه الی تصانیف الشیعه، به کوشش احمد بن محمد حسینی، بیروت، دار الاضواء.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱). دو رساله از کاشف الغطاء علیه میرزا محمد اخباری، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.
- خاوری شیرازی، فضل الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین، تصحیح ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۲ ق.). روضات الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، مکتبه اسماعیلیان.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۲). فهرستگان نسخه های خطی ایران، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۹۷). *سیسیانوف*، دانشنامه جهان اسلام ج ۲۵، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

سپهر، محمدتقی (۱۳۴۴ ش.)، *ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه*، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشیه اسلامیة.

طریحی، محمدحسین (۱۴۰۹)، *مخطوطات خزانه آل جمال‌الدین*، مجله الموسوم، شماره ۱، ۱۲۹-۱۶۱.

عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (۱۳۷۶)، *تاریخ عضدی*، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، علم.

کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۸)، *العقبات العنبریه فی الطبقات الجعفریه*، تحقیق جودت القزوینی، بیروت، بیسان.

کاظمی موسوی، سید احمد (۱۳۹۸). *خاقان صاحب قران و علمای زمان*، تهران، آگاه.

الگار، حامد (۱۳۹۶). *دین و دولت در ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.

مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴). *ریحانه الادب*، تهران، خیام.

مرشدلو، جواد (۱۳۹۸)، *هویت دوگانه در خدمت راهبرد استعماری: پاول سیسیانوف و پی‌ریزی استعمار تزاری در*

جنوب قفقاز، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۸.

مقتون دنلی، عبدالرزاق بن نجفقلی (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه

انتشاراتی روزنامه ایران.

معلم حبیب آبادی، محمد علی (۱۳۶۲)، *مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار*، اصفهان، کمال.

نفیسی، سعید (۱۳۳۵)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق.

هادی دلی الموسوی، شیرین (۲۰۱۷). *الخلافا بین الاصولیین و الاخباریین*، العلامه السید المیرزا محمد الاخباری

انموذجاً، دارالحسین.

همای مروزی، محمدصادق (خطی). *تاریخ جهان‌آرا*، نسخه ۲۲۹۵ ف، کتابخانه ملی.

Ābadian, Hossein (2001). *Iranian narration of Iran-Russia Wars*. Tehran; Center for diplomatic records and history. [In Persian].

Āgā Bozorg Tehrānī, Muḥammad Muḥsin (1983). *Ḍarī ‘a elā asṣānīf al-šī ‘a*. edited by Ahmad bin Mohammad Hosseini, Beirut: Dar al-Azwā. [In Arabic].

Āīna-ye ḥaqq nemā (2015). Compiled by some students of Gōfrān-ma‘āb, edited by Ali Fazli's, Qom: Shia Bibliography Institute. [In Persian].

Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nab (2019), *tohfe-ye jahānbānī*. edited by k. mohammadhoseini & R. jafarian, twenty-one articles about manuscripts, *Journal of the Central Library and Document Center of Tehran University*, 15. [In Persian].

Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (1923), *fath-ul bāb ilā tarīq-il ḥaqq-i wa-ṣ ṣawāb*. edited dy Ahmad bin mirza abdullā, najaf: Alalavia.[In Arabic].

Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (2018), *unmuzaj-ol-mortazin*. Dar Al Hussein Publication. Retrieved from: https://archive.org/details/20200713_20200713_1438 [In Persian].

Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *collection*, No 922, central library of university of Tehran, Tehran. [In Persian].

- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *ḡamzat-ul burhān li-šubhat-il wasnān*. No 389, library and documents center of islamic council, tehran. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *Ġamzat-ul burhān li-šunhat-il wasnān*. No 389, library and documents center of islamic council. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *ḥaqīqat-ul a'yān*. No 154, Hojjatiya Library, Qom. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *Hijr al molqam*, No 2797, library and documents center of islamic council, tehran. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *majāli-il majāli fī šarh-i majāli-l anwār*. No 4296, library and documents center of islamic council. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *radd-e man' az šahādat be velāyat-e amīr-al-mo'menīn 'alī*, No 2797, library and documents center of islamic council, Tehran. [In Persian].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *šahīfat-u ahl-i šafā' fī dīkr-i ahl-il ijtibā' wa-l ištifā'*. V1, No 3363, library and documents center of islamic council, Tehran. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *šahīfat-u ahl-i šafā' fī dīkr-i ahl-il ijtibā' wa-l ištifā'*. V2, No 7039, library and documents center of islamic council. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *Tohfe-ye-larie*. No 3341, central library of university of Tehran. [In Persian].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *wamḍat-un nūr*, No 3793, library and documents center of islamic council. [In Persian].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *Žiā'-ul muttaqīn fī ma'arīf-id dīn*. No 389, library and documents center of islamic council. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript), *šam-ul haqīqa li man salak-al tariqa*. No 154, Hojjatiya Library, Qom. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript). *ma'āwil-ul 'uqūl fī qal'-i asās-il ušūl*. No 7050, LibrarY Of Astane Qudse Razavi. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi (Manuscript). *Najm-ul wilāya li-man arād-al hidāya*. No 549, Hojjatiya Library, Qom. [In Arabic].
- Aḳbārī, mohammad bin Abdul-Nabi, *Īqāz al-nabih fī zīkr mā ajma' alayhi wa iḳtalaḥ fih* (1937). Edited by Ibrahim bin Mirza Ahmad Jamal al-Din, Al-Tagr Publishing House. [In Arabic].
- Aḳbārī, Muhammad bin Abdul-Nabi (2019). *Tuhfat Jahanbani*, edited by Kamran Muhammad Hosseini and Rasoul Jafarian, Publication of the Central Book of Danishgah of Tehran, Panzdam Notebook. [In Persian].
- Āl Jesās, Abul Hasan Ali bin Jafar (n.d). *Mārtīr of Hadīth*. Retrieved from https://archive.org/details/20200713_20200713_1425 [In Arabic].

- Algar, hamid (2017). *Religion and state in iran 1785 - 1906 the role of ulama*, Translated by Abolghasem Serri, Tehran, tous. [In Persian].
- Avery, Peter, & Hambly, Gavin, & Melville, Charles (2007). *The Cambridge History of Iran*. third printing, United Kingdom, Cambridge University press.
- Azod-al-Dawla, Soltān Aḥmad Mirzā (1997). *Tārīḳ-e azodi*, edited by 'Abd-al-Ḥosayn Navā'i, Tehran, Elm. [In Persian].
- Badī, parvīz (1994). *Letter of Fath Ali Shah Qajar to his son Abbas Mirza. ganjīne ye asnād*, 16, 11-15. [In Persian].
- Bakīkanov, Abbas-Quli-Āga (2003). *Golestān-e eram*. Tehran: Center for diplomatic records and history. [In Persian].
- DEḤKODĀ, Mīrzā 'ALī-akbar qazvīnī (1998), *Loḡat-nāme*, chief editors: mohammad mo'in & ja'far shahidi, Tehran: Tehran university publication. [In Persian].
- Derāyati, Mostafa (2013). *Union catalogue of iran manuscripts*. Tehran: National library of iran. [In Persian].
- E'tezād-al-Saltāna, 'Alīqolī Mīrzā (2016), *Eksīr al-tawārīḳ*. ed. J. Keyānfar, Tehran, Asāṭīr. [In Persian].
- Fasā'ī, Ḥasan Ibn Ḥasan (2004), *Tārīḳ-i Fārsnāmah-ye Nāṣerī*. Edited by Mansour Rostgar Fasai, Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Hādī Delī Al-Moussawī, Shirin (2017). The dispute between the fundamentalists and the Aḳbaris, the scholar Sayyid Mirza Muhammad al- Aḳbārī as a model, Dar Al-Hussein. [In Arabic].
- Homā-ye marvazī, mohammad sādeq (Manuscript). *tārīḳ-e jahān-ārā*. No 2295, National library. [In Persian].
- Jafarian, Rasul (2014). *Two treatises by Kāshif al-Ghita' against Mirza Mohammad Aḳbari*. Tehran, library and documents center of islamic council. [In Persian].
- Kashīf al ghaṭa, Muhammad Hussein, al-'*Abatāt al-'Anbarā fi al-tabaqāt al-ja'farīa*, edited by Judet Qazvini, Beirut, Beisan. [In Arabic].
- Kāzīmī Mūsavī, Aḥmad (2018). *ḳāqān šāhib Qirān va 'ulamā-yi zamān*, Tehran, Āgāh. [In Persian].
- Ḳvānsārī, Muḥammad Bāqir (1972). *Rawzāt al-ḵannāt*, Qom, Ismā'īlīyān. [In Arabic].
- Ḳvāvārī shirazi (2001). *Tarīḳ e zol qarnayn*, edited by naser afsharf, Tehran, library and documents center of islamic council. [In Persian].
- Maftūn Dunbulī, 'abd Al-Razzāq (2004), *Ma'āsīr-i sulṭānīyah*, edited by Ghulām Ḥusayn Zargarī'nizhād Tehrān, Iran newspaper publications. [In Persian].
- Morshedloo, J. (2019). Double Identity in Favor of Colonial Strategy: Pavel Tsitsianov and the Foundation of Russian Colonialism in South Caucasus (1803-1806). *Historical Study of War*, 3(2), 129-150. [In Persian].
- Mudarris Tabrizi, Muhammad (1995). *Rayḥānat al-adab fi tarājim al-ma'rufin bi l-kunya aw al-laqab*, Tehran, Ḳayyām. [In Persian].

- Moalem Habib Abadi(1983) , Muhammad Ali, Makarim AL Athar, Isfahan, kamāl.
- Nafisi, S. (1956), *Social and Political History of Iran in a Contemporary Course*, Tehran, Sharq Publications Institution. [In Persian].
- Pākravān, Emineh (1997). *Abbas Mirza and Fath Ali Shah Qajar*, Translated by Safia Rouhi, Tehran, Tariḵ Iran Publishing House. [In Persian]
- Rāisnā, Rahīm(2012), *Tsitsianov*, Encyclopedia of the Islamic World, edited by Gholam-Ali Haddad-Adel, V25, Tehran, institution of Encyclopaedia of the World of Islam. [In Persian].
- Sepehr, Moḥammad-Taqī (1925), *Nāseḵ al-tawārīḵ. Qājārīya*, Edited by Mohammad Baqer Behboodi, Tehran, Islamia bookstore. [In Persian].
- Ṭarihi, Muhammad Hussein (1988), *Manuscripts of the Treasury of the Jamal al-Din family*, Al-Mawsem magazine, 1, 129-161. [In Persian]
- Tonokābonī, Moḥammad b. Solaymān(2010), *Qeşaş al-'olamā'*, Edited by Mohammadreza Barzegar ḵaleghi and Efat Karbasi, Tehran, Elmifarhangi. [In Persian].